

به من بگو

زندگی سانسورشده شایا گلدوست؛ «خیابان‌های شهر تونل وحشت بود»

فهیمة خضر حیدری

۱۴۰۰/اردیبهشت/۰۶



Courtesy Photo

شایا گلدوست

در قسمت اول از مجموعه مستند رادیویی «زندگی سانسورشده من» زندگی شایا گلدوست را به تصویر کشیده‌ایم. شایا گلدوست، زن تراجنسیتی ایرانی است که اکنون در ونکوور کانادا زندگی می‌کند.

شایا که از کودکی دوست داشت کفش‌های پاشنه‌دار مادرش را بپوشد، با دخترهای فامیل هم‌بازی شود، به زیبایی و هنرمندی برقصد و آرایشگر دخترخاله‌هایش باشد می‌دانست که چیزی در او متفاوت است؛ متفاوت با نقشی که خانواده، مدرسه، جامعه و دیگران از او انتظار دارند.

همین طور که بزرگ‌تر می‌شد حواس‌اش بود که جامعه از او می‌خواهد چیزی باشد که نیست، جامعه از او می‌خواهد «مرد» باشد و «مردانه» رفتار کند. جامعه از او انتظار دارد خودش نباشد، خودش را سانسور کند، حذف و فراموش کند. حتی صدای‌اش زیادی «زنانه» است و باید تمرین کند تا مثل مردها حرف بزند. چرا این طوری راه می‌رود؟ باید راه رفتن را هم تمرین کند. چرا این طوری می‌خندند؟ چرا «لیلا فروهر» گوش می‌کند؟ چرا، چرا و چرا؟



📌 لینک مستقیم

↗ بازکردن در پنجره جدید

خودش می‌گوید: «هر بار راه رفتن در خیابان‌های شهر برایم مثل عبور از تونل وحشت بود». تونلی که در آن صدای مسخره شدن، تحقیر و سرکوب می‌پیچد و می‌پیچد و می‌پیچد. با همه اینها وقتی شایا با مفهوم ترنس‌بودگی آشنا شد، فهمید که راه‌های زیادی پیش رو دارد، مثلاً می‌تواند با عمل جراحی تأیید جنسیت زندگی را که دوست دارد و خودی را که می‌خواهد بنا کند.



شایا گلدوست

«زندگی سانسور شده من» تجربه جراحی تأیید جنسیت شایا و هولناکی و دشواری این تصمیم بزرگ تعیین‌کننده را به تصویر کشیده است. اما سانسور و سرکوب انسانی که شایا می‌خواست باشد پس از جراحی هم ادامه پیدا کرد.

حالا شایا باید از روزهای پیش از جراحی فرار می‌کرد، حالا «خانم گلدوست» همواره نگران بود که مبدا همسایه‌ای، آشنایی، همکاری، کسی «آقای گلدوست» بودن او را به خاطر بیاورد و دور تازه‌ای از دردها برای او و خانواده‌اش شروع شود. گویی قوانین و حکومت و مذهب و عرف و سنت و جامعه هرگز قرار نبود از سرکوب و سانسور انسانی که او بود دست بردارند.

شایا اما سر تسلیم نداشت، قرار نبود رویای آجر به آجر ساختن خود را رها کند، شایا شهروندی بود که می‌خواست خودش را زندگی کند و «خودش بودن» در سرزمین مادری‌اش ممکن نبود؛ شایا مهاجرت کرد، به ترکیه رفت و اکنون در کانادا زندگی می‌کند. لباسی را که انتخابش است می‌پوشد، به شیوه‌ای که دوست دارد راه می‌رود و می‌کوشد تا زنی را که دوست می‌دارد به‌تمامی زندگی کند.

شایا گلدوست این روزها پادکست و برنامه رادیویی می‌سازد و اسم برنامه‌اش در رادیو رنگین‌کمان را گذاشته: «من یک ترنس هستم».

این مطلب بخشی از:

به من بگو

فراتر از خبر

بایگانی

